

ازمسیب‌شناسی فناسیب‌شناسی

(اسیب‌شناسی کنگره‌های سراسری شعر دفاع مقدس
بهر روز سپیدنامه)

مقدمه

برگزاری کنگره‌های شعر دفاع مقدس حرکت بایسته‌ای است که امکان انتقال موارث ارزشمند دفاع مقدس را در بین نسله‌ها می‌سازد. فرایندی که به پدیده‌ی اثبات فرهنگ می‌تواند منجر خواهد شد. چنین اثباتی که حاصل قریحه‌ی شاعران است جزئی از مدل فرهنگی این مرز و بوم به حساب می‌آید و تحقق فرایند انتقال موارث را به آیندگان ممکن خواهد ساخت. به آیندگانی که حماسه‌های فرزندان غیور ایران اسلامی را از لابه‌لای سطور مشاهده خواهند کرد. هر حرکت جمعی ممکن است با آسیب‌های متعددی مواجه شود که در صورت عدم توجه به آنها احتمال می‌رود که حرکت مذکور از مسیر اصلی خود منحرف گردد. بر این اساس بر خود دانستم که مطلبی در خصوص اسیب‌شناسی کنگره‌های شعر دفاع مقدس بنویسم. حضور نگارنده در چهاردهمین کنگره سراسری دفاع مقدس زمینه‌ی مساعدی برای جمع‌آوری داده‌های تجربی بود. لازم به ذکر است که تلاطم مسئولان اجرایی بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس در هر چه بهتر برگزار شدن کنگره بر کمی پوشیده نیست. زحمات فراوان شاعر صمیمی و زلال آقای علی‌رضا آرزو به دبیر علمی کنگره - ستودنی بود. دغدغه‌های ایشان برای ایجاد زمینه‌های رفاهی شاعران و مدعوین در حرص و جوشهایش هویدا بود. حضور فعال صاحب‌نظرانی چون آقای اسماعیل امینی که در کمال فروتنی عالمانه به بررسی مسائل می‌پرداخت درخور تأمل بود و حضور خیل عظیم شاعران توانمند جوان در کنار شاعران پیش‌کسوت جلوه‌ای خاص داشت. و این نکته لازم به ذکر است که در این مقاله در بررسی روحیات شاعران، جامعه هدف نگارنده کسانی هستند که شعر را دستاویزی برای رسیدن به آرمان‌های کوچک خود قرار داده‌اند لذا با پوشش از تمامی صاحب‌نظران توانا و شاعران ارجمندی که زینت بخش هر کنگره‌اند مطلب را آغاز می‌کنم.

بیان مسئله

جنگ هشت ساله‌ای که مردم این مرز و بوم را به دفاع از کیان و ناموس خود فرا خواند، بر این توپخانه استعمار جهانی بر ضد آرمان‌های نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران بود. بر این اساس مردم ایران برخاستند و دلاورانه در مقابل دشمن جهانی ایستادند و حماسه‌هایی آفریدند که تاریخ نظیر آنها

را کمتر به خود دیده است.

حماسه‌هایی که هنر و ادبیات را آینه‌ای ساختند تا تجلی بخش رشادتها و شهادت‌ها باشد و شعر زبان گویایی است که ترجمان لحظات بزم و راز و نیاز و پرواز گشت.

کنگره‌های شعر دفاع مقدس سنت حسنه‌ای است در راستای استمرار فرهنگ جهاد و شهادت در سبزه‌های ادبیات ایران. این کنگره‌ها میقات قلم‌هایی هستند که به شوق دلاوران عرصه‌های نبرد بر کاغذ می‌دوند.

بزرگ‌ترین اقت کنگره‌های شعر دفاع مقدس گرفتار شدن در چینه‌ی روزمرگی است. بر این اساس ضرورت مطالعه اسیب‌شناسانه کنگره‌های مذکور دو چندان می‌نماید. با شناسایی آسیب‌ها می‌توان در راستای بهبود کیفی کنگره‌ها گام مؤثری برداشت.

عصر زمان در بررسی تعبیرات اجتماعی به عنوان یک متغیر اساسی به شمار می‌رود. برای کسانی که پدیده‌ها را در زمان‌های مختلف دیدم‌اند امکان بررسی «در زمانی» سهل الوصول تر خواهد بود. به عنوان مثال

اگر پدر و مادری یک هفته از فرزند خریدار خود جدا شوند در اولین دیدار شاهد دگرگونی‌های فراوانی در او خواهند بود. اما همین پدر و مادر در طول زمانی که شانه‌روزی با فرزند خود سر کرده‌اند متوجه این دگرگونی‌ها نمی‌گردند. برای بسیاری از تجربیاتی که متولی برگزاری کنگره‌های دفاع

مقدس بوده‌اند - به دلیل الفت دیرینه‌ای که با این قبیل کنگره‌ها داشته‌اند - ممکن است آسیب‌ها نمایان نگردند.

کنگره‌های شعر دفاع مقدس و سایر کنگره‌های نظیر آن را می‌توان از دو بُعد مورد بررسی قرار داد: نخست بررسی «همان زمانی» و «طولی» و دیگر

بررسی «در زمانی» و «مقطعی». بررسی طولی ناظر بر مطالعه پدیده‌ها در گذر زمان است. یعنی دگرگونی‌های یک پدیده از نقطه آغاز تا انجام مورد بررسی فرار می‌گیرد و بررسی «مقطعی» اشاره بر بررسی پدیده‌ها در زمانی خاص و معین دارد. مثلاً بررسی چهاردهمین کنگره سراسری

شعر دفاع مقدس.

چنین الگوی تقسیم‌بندی برآیند نظریه آگوست کنت - جامعه‌شناس مشهور فرانسوی - می‌باشد. «کنت» که واضح مفهوم جامعه‌شناسی است، معتقد است جامعه‌شناسی به دو شاخه جامعه‌شناسی ایستا (Static) که به نیت نظام‌های هنجاری، الگوهای قشریستی و جامعه‌پذیری توجه دارد و



جامعه‌شناسی پویا (dynamic) که به الگوهای تغییر و تحول اجتماعی توجه دارد، تقسیم می‌شود.

جامعه‌شناسان معاصر این تقسیم‌بندی را در قالب نظم اجتماعی (Social Order) و تغییر اجتماعی (Social Change) مورد توجه قرار داده و تأکید را بر این موضوع نهاده‌اند که نظم اجتماعی و تغییر اجتماعی با یکدیگر ارتباط دارند. پیوند بین این دو مفهوم در مقام شناسایی آن موجب شده که برخی از جامعه‌شناسان معتقد باشند «نظم و تغییر» دو وجه یک سکه هستند و نه هر نظامی ضرورتاً مطلوب است و نه هر تغییر اجتماعی. که نظم اجتماعی می‌تواند اشکال و آرایشهای بسیار گوناگونی را به خود بگیرد و تغییر اجتماعی نیز می‌تواند صور پیشنهادی را اختیار کند. (روشه، ۱۳۶۶، ص ۱۴)

مطالعه ایستایی‌شناسانه کنگره‌های شعر دفاع مقدس (مطالعه مقطعی و در زمانی)، ناظر بر مطالعه عناصر درونی کنگره‌ها از قبیل: خرده فرهنگهای شعری، نقشها، ارزشها و هنجارهای رایج، کارکردها، تابوها و تعاملات شعری می‌باشد. محقق در مطالعه پویایی‌شناسانه کنگره‌ها (مطالعه میان زمانی و طولی) بر آن است تا روند تکاملی کنگره‌ها را در طول زمان مورد ارزیابی قرار داده و تغییر یا تحول آنها را بررسی نماید. اگر عملکرد هر کنگره را در قالب یک میانگین عددی بیان کنیم پژوهشگر با چهارده میانگین عددی مواجه خواهد بود اعدادی که اگر آنها را به ترتیب کنار هم قرار دهیم جهت و شدت تغییرات را بازگو خواهند کرد. آیا جهت اعداد تصاعدی است؟ و اگر چنین است شدت افزایش اعداد در این تصاعد به چه اندازه است؟ آیا میزان ارتقاء کیفی کنگره‌ها بر اساس تصاعد حسابی افزایش یافته یا بر اساس تصاعد هندسی؟ یا اینکه اعداد روندی نزولی را طی کرده‌اند؟

پویایی‌شناسی

سخن از تغییر و تحول اجتماعی به میان آمد. برای آنکه بدانیم دگرگونیهای کنگره‌های شعر دفاع مقدس در گستره تغییر اجتماعی قرار می‌گیرند یا تحول اجتماعی ضروری است که ابتدا این دو واژه تعریف گردند.

«تغییر اجتماعی عبارت است از تغییری قابل رؤیت، در طول زمان به صورتی که موقتی و کم دوام نباشد. بر روی ساخت یا وظایف سازمانهای اجتماعی یک جامعه اثر گذارد و جریان تاریخ آن را دگرگون نماید.» (روشه، ۱۳۶۶، ص ۲۰)

عنصر جدایی‌بخش مفهومی در حوزه تغییر و تحول اجتماعی، گستره زمانی است و چهارده سال برگزاری کنگره‌های شعر دفاع مقدس فرصت زیادی برای توالی نسلیها به حساب نمی‌آید هر چند که در این گستره زمانی شاهد حرکتهای «میان‌نسلی» نیز بوده‌ایم؛ اما هنوز گستره این زمان به اندازه لازم توسعه نیافته که آن را «تحول اجتماعی» بنامیم پس باید بررسی پویایی‌شناسانه کنگره‌های شعر دفاع مقدس را از منظر «تغییر اجتماعی» انجام داد زیرا تغییر اجتماعی برخلاف تحول اجتماعی عبارت است از پدیده‌های قابل رؤیت و قابل بررسی در مدت زمانی کوتاه به صورتی که هر شخص معمولی نیز در طول زندگی خود یا در طول دوره کوتاهی از زندگیش می‌تواند یک تغییر را شخصاً تعقیب نماید. نتیجه قطعی‌اش را ببیند و نتیجه موقتی آن را دریابد. علاوه بر این، تغییر اجتماعی در محدوده یک محیط جغرافیایی و اجتماعی معینی صورت می‌پذیرد و

در این مورد تفاوتش با تحول اجتماعی در این است که آن را می‌توان در چارچوب یک محدوده جغرافیایی و یا در کادر اجتماعی - فرهنگی، خیلی محدودتری مورد مطالعه قرار داد. (روشه، ۱۳۶۶، ص ۲۰)

مطالعه پویایی‌شناسانه کنگره‌های شعر گواه این امر است که روند تغییرات کیفی بسیار بطئی صورت گرفته است تا جایی که گاه ممکن است هر بیننده‌ای به این باور برسد که زمان در کنگره‌های شعر دفاع مقدس متوقف شده است و عناصر ثابت کنگره بی‌آنکه تغییر یابند تنها از لحاظ چیش تغییر موقعیت می‌دهند. به عبارتی دیگر در کنگره‌های شعر دفاع مقدس شاهد تغییر ساختاری نمی‌باشیم و نوع تغییرات پدید آمده بیشتر از نوع تغییر تعادلی می‌باشند آن گونه که تالکوت پارسونز گفته است وی اعتقاد دارد تغییر اجتماعی بر دو نوع است تغییر تعادلی و تغییر ساختی.

۱. در مورد اول (تغییر تعادلی) بدون اینکه در سیستم اجتماعی دگرگونی حاصل شود تعادل موجود جای خود را به تعادل جدید می‌دهد به عبارت دیگر، سیستم به صورت یک مجموعه باقی می‌ماند. این تعادل جدید به دنبال تغییراتی در بعضی از قسمتهای سیستم یا خرده سیستمها رخ می‌دهد. پارسونز عقیده دارد که دگرگونی در تعادل پدیده‌ای است عادی و دایمی در حیات سیستم اجتماعی.

۲. چنانچه نیروهای مؤثر در دگرگونی بسیار قوی باشند و چنانچه فشاری که از خارج و داخل بر سیستم اثر می‌گذارد نیرومند باشد، تغییری حادث می‌شود که از تغییرات تعادلی به کلی متفاوت است به صورتی که باعث

میل به ماندگاری آفتی است که گریبانگیر کنگره‌های شعر دفاع مقدس گشته است. چنین میلی را باید در الگوهای ذهنی افراد اثر گذار جست‌وجو نمود. این میل منطبق بر ضرورتهای کارکردی دروان گذار و شرایط آن نیست

دگرگونی عمیق در کل سیستم می‌گردد و این تغییر را تغییر ساختی می‌نامند. (روشه، ۱۳۶۶، ص ۲۲)

میل به ماندگاری آفتی است که گریبانگیر کنگره‌های شعر دفاع مقدس گشته است. چنین میلی را باید در الگوهای ذهنی افراد اثر گذار جست‌وجو نمود. این میل منطبق بر ضرورتهای کارکردی دروان گذار و شرایط آن نیست. دوران گذار ضرورت اجتناب‌ناپذیری است که جامعه ما آن را به تجربه نشسته است. حرکتی است از سادگی به پیچیدگی (اسپنسر) حرکت از کنش سنتی به سمت کنش عقلانی (ماکس وبر)، حرکت از همبستگی و انسجام مکانیکی به همبستگی ارگانیکی (دورکیم)، حرکت از گم‌نشافت به سوی گزلفاشفت (تونیس) و حرکت از قوه به فعل است و تبدیل شدن مکرر لحظات حال به گذشته و تسخیر آینده. در چنین دورانی، تعادل مطلوب زمانی محقق می‌گردد که بین شتاب زیرساختها و روساختها

با عناصر متعدد نظام اجتماعی نوعی ترازمندی پدید آید. چنانچه طی فرایند گذار قسمتی از عناصر از دیگر عناصر عقب بیفتند جامعه شاهد نوعی بی‌نظمی و آشفتگی خواهد بود. شواهد امر گواه این مطلباند بین کنگره‌های شعر دفاع مقدس - به عنوان یک واحد اجتماعی - و شتاب فزاینده دوران گذار و انتظارات نوحاسته آن نوعی پس‌افتادگی ایجاد شده است. چنین گسستی بین ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر دوران گذار و تغییرات آن و میل به ماندگاری کنگره‌ها به حفظ وضع موجود سبب پدید آمدن مشکلات فراوانی خواهد گشت زیرا به تعبیر رابرت مرتون مسئله اجتماعی زمانی پدید می‌آید که بین استانداردها (آنچه که باید باشد) و فعلیت (آنچه که هست) گسست ایجاد شود. در کنگره‌های شعر دفاع مقدس بین مدل آرمانی (Ideal Type) کنگره و آنچه که معمولاً برگزار می‌شود فاصله فراوانی وجود دارد. نارضایتی عمومی و ضمنی شاعران در پایان برگزاری هر کنگره گواه این امر است. البته این سخن به مفهوم صنایع ساختن و نادیده‌انگاشتن سعی و تلاش برگزارکنندگان کنگره‌ها نیست، بلکه بیان واقعیتی است برای بهبود وضعیت.

پدیده‌ها و واقعیت‌های اجتماعی - همان گونه که دورکیم فرمود - عینی هستند، عمومیت دارند و خویش را بر ساختارها تحمیل می‌کنند. یک واقعیت یا پدیده اجتماعی برای ظهور و هویدا شدن از هیچ مقام مملکتی اجازه نمی‌گیرد. چنین پدیده‌ای را نمی‌توان با آمار و ارقام و نمودارهای ساختگی مهار نمود. لذا باید ابعاد مختلف آن را شناخت و با آن کنار آمد. اندیشمندی اذعان می‌داشت که حکایت انسان‌های ذهنی‌گرا حکایت کودکی است که می‌خواهد با بستن چشم از سامور جوشانی که بر سر راهش قرار گرفته عبور کند زیرا به خیال کودکانه‌اش با بستن چشم، سامور محو خواهد گشت غافل از آنکه سوختنی شدید در انتظار اوست. اگر تغییر اجتماعی یک ضرورت است چرا گاه روند آن به کندی می‌گراید. دکتر منوچهر محسنی اعتقاد دارد که معمولاً عواملی مقاوم فرایند تغییر را با مشکل مواجه می‌سازند. ایشان اذعان می‌دارد: «از آنجا که تغییر پدیده‌ای عمومی است باید به خاطر آوریم که جوامع و فرهنگها به طول کلی واقعی و پایدار بوده و از نظر روند هدایت و جریان تغییر از همدیگر متفاوت هستند. مسئله در این است که جوامع تا چه حد با تغییر سازگار و موافق باشند. کارکردها و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی در فاصله زمانی کوتاه تغییر نمی‌کنند و حتی در میان پرتحرک‌ترین جمعیتها برخی از عوامل مقاوم در مقابل تغییر جنبه نهادی دارند.

از شواهد بسیار روشن مقاومت در برابر تغییر، مقایسه‌ای است که می‌توان میان آداب و رسوم و عادات انجام داد. اخلاقیات برقرار در جامعه دارای دوام هستند چرا که درجه بیشتری از هم‌سازی را دارند، از ارزشهای متعالی محسوب می‌شوند و بالاترین فشار اجتماعی را واجدند. مدل‌های رفتاری که جامعه آنها را حقیقتاً پُرارزش می‌داند عملاً آن چیزهایی هستند که افراد باید با آنها هم‌سازی کنند و این کاری است که انجام می‌دهند. کاربرد استفاده از وسایل و اشیاء به طور کلی با همین درجه از فشار و مقاومت مواجه نیستند و با سهولت بیشتری تغییر می‌کنند، به همین ترتیب نهاد‌های اصلی اجتماعی که مملو از آداب و رسوم مستقر و پایرجا هستند مقاوم‌ترین پدیده‌ها در مقابل تغییر می‌باشند. ماهیت آداب و رسوم نهادی آن است که سنتی باشند و از طریق تکرار و خویشی در مدت زیادی دوام داشته باشند.» (محسنی، ۱۳۷۴، ص ۲۳۹)

کنش سنتی (به مفهوم عام کلمه) افراد میل به ماندگاری را در آنان افزایش می‌دهد. تعلق افراد به تفکرات ثابت باعث شده که هر گونه تغییر را بر نتابند نظیر نظام‌های سنتی که روند تغییرات در آنها همواره با مشکلات عدیده‌ای مواجه است. در این نظامها افراد بر منزلت پدرانشان باقی خواهند ماند و حرکت اجتماعی از نوع تحرک عمودی در آنها کمتر صورت می‌پذیرد. شکستن این فضا وامدار حرکتی جمعی و ساختاری است. گی‌روشه اعتقاد دارد: «تغییری را که فقط یک یا چند نفر تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند نمی‌توان به عنوان یک تغییر اجتماعی محسوب نمود. به عبارت دیگر تغییر ایده یا رفتار عده معدودی از افراد جامعه نمی‌تواند به عنوان یک تغییر اجتماعی پذیرفته شود مگر اینکه این تغییر ایده یا طرز تلقی در سطح بسیار وسیعی صورت پذیرد. (روشه، ۱۳۶۶، ص ۳۴)

به منظور شناخت بیشتر از پدیده «مقاومت در برابر تغییر»، فرایند تغییر اجتماعی را به عناصر سازنده آن تقلیل می‌دهیم تا ببینیم که سهم کدامیک از این عناصر در میل کنگره‌های دفاع مقدس به حفظ وضع موجود بیشتر است. مهم‌ترین عناصر تغییر اجتماعی عبارتند از: عوامل تغییر، شرایط

تغییر و کارگزاران تغییر.

عوامل تغییر: عامل تغییر در واقع عنصری است از یک وضعیت معین که به علت موجودیتش یا به وسیله عملی که انجام می‌دهد تغییری را موجب می‌شود و یا به وجود می‌آورد. (روشه، ۱۳۶۶، ص ۲۸) عنصری مانند وارد شدن تکنولوژی به روستا و مکانیزه شده کشاورزی.

شرایط تغییر: عناصری هستند مناسب و یا نامناسب که اثر یا اثرات یک یا چند عامل تغییر را فعال‌تر یا کندتر، شدیدتر یا ضعیف‌تر می‌کند. (روشه، ۱۳۶۶، ص ۲۹) نظیر شرایط فرهنگی روستا و میزان پذیرش آنان نسبت به ورود تکنولوژی.

کارگزاران تغییر: عبارتند از اشخاص، گروهها و انجمنهایی که تغییر را وارد می‌کنند و از آن استقبال می‌کنند یا با آن به مخالفت بر می‌خیزند و این کارگزاران بنا بر این اشخاص و گروههایی هستند که کنش اجتماعی آنها از بعضی جهات شکل و خاصیت یک کنش تاریخی را به خود می‌گیرد. یعنی افراد یا گروههایی که کنش آنها از هدفها، تمایلات، ارزشها و ایدئولوژیها نشأت می‌گیرد که بر آینده جامعه اثر می‌گذارد. (روشه، ۱۳۶۶، ص ۳۰)

کنش تاریخی نیز عبارت است از مجموعه فعالیت‌های افراد یک جامعه که امر به حرکت درآوردن، تشدید یا کند و یا حتی مانع شدن تغییرات سازمان اجتماعی را در کل جامعه یا در بعضی از قسمتهای جامعه به عهده دارند (روشه، ۱۳۶۶، ص ۱۶)

شواهد امر بیانگر این مطلباند که عوامل و شرایط تغییر به منشور تحقق فرایند تغییر آماده هستند. به عنوان مثال می‌توان از حمایت مسئولان در خصوص برگزاری کنگره‌های شعر دفاع مقدس و اختصاص بودجه به این امر مهم اشاره کرد. اما در این میان میزان مقاومت کارگزاران تغییر در مقابل دگرگونیهای ساختاری بیشتر از سایر عناصر است. کارگزاران تغییر به تفکری اطلاق می‌گردد که متولی برنامه‌ریزی کنگره‌هاست.

ایستایی‌شناسی

همان گونه که پیش‌تر از این گفته شد مطالعه ایستایی‌شناسی به بررسی روابط بین عناصر یک نظام اجتماعی می‌پردازد نظیر نقشها، ارزشها، هنجارها و کارکردها، تابوها.



نقش به رفتاری اطلاق می‌شود که دیگران از دارندهٔ یک منزلت معین انتظار دارند (کوئن، ص ۵۷) نظیر نقش معلم، پدر، شاعر.

ارزشها به مفاهیم خوب و بد و هنجارها به دستورالعملهایی که در قالب باید و نبایدها به افراد تجویز می‌شوند. کارکردها به وظایف یک نقش یا مجموعه‌ای از نقشها و نظامها اطلاق می‌گردد.

تابوها به قواعدی گفته می‌شود که جامعه آن را مقدس شمرده و امکان شکستن آن بسیار دشوار می‌نماید. کنگره‌های شعر دفاع مقدس نظیر سایر کنگره‌ها از نقشهای متعددی تشکیل شده‌اند نظیر نقش شاعر، مجری، دبیر، برنامه‌ریزان، تدارکات و ... هر کدام از این نقشها، کارکرد (Function) خاصی را ایفا می‌کنند تعادل مورد نظر زمانی میسر می‌گردد که هر کدام از نقشها کارکرد خود را به خوبی ایفا نمایند در غیر این صورت شاهد نوعی ناترازمندی خواهیم بود. به عبارتی دیگر تعادل و نظم زمانی پدیدار می‌گردد که بین نقش تجویز شده (نقشی محول) یعنی انتظاری که از صاحب نقش می‌رود و نقش محقق یعنی کنشی که صاحب نقش انجام می‌دهد تطابق وجود داشته باشد. مثلاً اگر هنجار رایج و مصوب کنگره آن باشد که هر شاعر پنج دقیقه شعر بخواند در صورتی که شاعری پانزده دقیقه به شعر خوانی خود اختصاص دهد موجبات بی‌نظمی را فراهم خواهد ساخت.

از آنجا که هر نظام از عناصر متعددی تشکیل شده، تعادل ساختی و امدار آن است که هر کدام از عناصر به ایفای کارکرد مناسب خود بپردازند. اگر حتی یک جزء از اجزاء مختلف نظام به ایفای مناسب کارکرد نپردازد، تعادل مورد نظر محقق نخواهد شد. تئوریهای اندام‌واره‌گی (ارگانسیم‌گرایی) نیز مؤید این امرند که نظام اجتماعی مانند بدن موجود زنده است و آسیب دیدن هر عضو بر کارکرد سایر اعضا تأثیر خواهد نهاد. بر این اساس است که سعدی شیرازی بنی‌آدم را اعضای یک پیکر می‌داند و در کلام معصوم نیز آمده است که مثل مؤمنین مانند مثل یک پیکر است که اگر عضو از آن آسیب دید، سایر اعضا برای او به شب خوابی و تب مبتلا خواهند شد.

کنگره‌های شعر دفاع مقدس حکم یک نظام را دارند و بهبود کیفیت آنان در سایهٔ تعاملات مناسب اجزاء مختلف و ایفای کارکرد مناسب تمام نقشهاست.

آسیب‌شناسی کنگره‌ها (سطح خرد)

مهمترین آسیب کنگره‌های دفاع مقدس فرو غلطیدن در دامان تکرارهاست. عدم بازنگری و بازاندیشی در بسیاری از این تکرارها سبب شده تا تعداد زیادی از برنامه و رفتارها به تابو مبدل شوند. «تابو خصلتی را می‌رساند که برای یک شخص یا یک چیز پذیرفته می‌شود و تماس با آن یا استفاده از آن را برای دیگر مردم ممنوع می‌سازد.» (بیرو، ۱۳۶۷، ص ۴۰) شکستن تابوها معمولاً گناهی نابخشودنی تلقی می‌گردد.

در کنگره‌های شعر دفاع مقدس جلوه‌هایی خاص از این تابوها مشاهده می‌شود که میل کنگره‌ها را به حفظ وضع موجود و ماندگاری دو چندان ساخته‌اند. برای روشن‌تر شدن بحث به ذکر برخی از این تابوها می‌پردازیم:

الف) تابوی شخصیت

این تابو ناظر بر عملکرد افرادی است که هنجارهای خودساختهٔ آنان به

عنوان دستورالعملهای لازم الاجرا مبدل شده‌اند و از قرار زیرند:

۱. برخی از شاعران وجود دارند که بی‌حضور آنان هیچ کنگره‌ای افتتاح نخواهد شد. شعرخوانی این افراد به عنوان نفر اول و سخنرانیهای محل آنان که حکم نطق بیش از دستور را دارد. به قاعدهٔ لایتغیر مراسم افتتاحیه مبدل شده است. شادروان دکتر حسن حسینی در خصوص یکی از این قبیل شاعران گفته است: «... او در عین صمیمی بودن، معترض، پرخاشگر و عصبی است. این خلق و خو به نظر نگارنده ستمی است که شاعر به شعر و شخصیت خویش تحمیل کرده است. بیشتر شاعران و منتقدان و دست‌اندرکاران فرهنگی به جای اینکه او را دوست داشته باشند، از او می‌ترسند و ملاحظه‌اش را می‌کنند. (حسینی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۸) شاید به خاطر همین ملاحظه کاری دیگران است که چنین تابوهایی آفریده می‌شوند.

۲. برخی از افراد در هر کنگره به هر لطایف الحیلی می‌خوانند به سمع و نظر مخاطبین برسانند که نخستین کنگره شعر دفاع مقدس با نام و همت آنان شکل گرفته است یا اینکه فلان غزل که از بس آن را خوانده‌اند نخنما شده سرودهٔ آنان است. سخنان تکراری آنان در هر کنگره سبب شده است، وقتی پشت تریبون قرار می‌گیرند مخاطبان به پیش‌بینی سخنرانیهای آنان بپردازند.

۳. در کنگره‌ها هر از چند گاهی شاهد ظهور شاعرانی هستیم که با برجسته کردن رگ گردن، فریاد کشیدن و با بهره‌گیری از انرژی موی سر و صورت خویش سعی در اثبات خود می‌نمایند. تحسین گوی این قبیل از شاعران غالباً ردیفهای اول و دوم سالن است که خاص مخاطبان عام است. اما همین احسنست آنان جواز عبور شاعر در تمام مراسم خواهد بود. دریده‌گویی این دسته از شاعران و مزاحهای بی‌مورد آنان مکانیسم جبرانی است که به قصد پوشاندن ضعف شعری خود از آن بهره می‌گیرند. تهاجم آنان به حریم شخصی افراد در قالب طنز و مزاح باعث شده تا بسیاری از افراد به منظور رهایی از گزند زبان آنان به تأییدشان بپردازند. چنین صمیمیت متکلفی قلمرو برخوردهای ریاکارانه را گسترش داده است. در سطور آتی در بحث «مناسک پرستی» به این قبیل شاعران! بیشتر خواهیم پرداخت.

۴. سخنرانیهای مکرر شخصیت‌های دولتی (مسئولان) از جمله برنامه‌های ثابت کنگره‌های شعر دفاع مقدس است. در اینکه در هر کنگره‌ای می‌بایست خیر مقدم گفته شود شکی نیست، اما گاه این خیرمقدمها به سخنرانیهای طولانی مبدل می‌گردد. مشکل دیگر آن است که هر گاه یکی از شخصیت‌های استانی سخنرانی کند، برای سایر مسئولان هم‌تراز او ایجاد حق می‌شود و جلسه شعرخوانی به ماراتون سخنرانی تبدیل می‌گردد. ماهیت اکثر این سخنرانیها گزارش کار است. سخنرانان باید به این امر توجه کنند که مستمعین آنان قشر نخبه و برگزیدهٔ جامعه‌اند و ارائه بدیهیات به مفهوم دست کم گرفتن مخاطب می‌باشد.

در چهاردهمین کنگره شعر دفاع مقدس در حالی که بیست نفر از شاعران جوان در نوبت قرائت شعر قرار داشتند مابقی زمان جلسه را به سخنرانی یکی از مسئولان اختصاص دادند. در حالی که پیش‌تر از او دو نفر دیگر از مسئولان در فواصل مختلف به ایراد سخنرانی پرداخته بودند.

قرائت شعر در کنگره‌های سراسری یکی از آرمانهای بزرگ شاعران جوان است. آرمانی که اشتیاق روزافزون آنان را به سرودن شعر دفاع مقدس



بیشتر خواهد ساخت. خاموش ساختن این شاعران جوان غفلت بزرگی است که فردای جامعه شاهد تبعات آن است.

(ب) تابوی موقعیت (زمان و مکان)

همواره بین مدت زمان برگزاری کنگره‌ها - که معمولاً دو روز است - و تعداد شاعران مدعو سختی وجود ندارد یا باید زمان کنگره‌ها را افزایش داد یا اینکه متناسب با زمان مقرر نسبت به دعوت از شاعران اقدام کرد. برگزاری کنگره‌ها در مناطق جنگی باعث شد تا کمبود امکانات (نظیر وسایل سمعی و بصری، سالن و ...) بر کیفیت کنگره‌ها تأثیر نامناسب بگذارد. پیشنهاد می‌گردد کنگره‌ها در مراکز استان برگزار شده و جهت بازدید از مناطق جنگی استان مذکور برنامه خاصی طراحی گردد. سیاست متمرکز برنامه‌ریزی که جهت آن از مرکز به سوی استانهای برگزارکننده کنگره‌هاست یکی از عوامل مهم بسیاری از ناهماهنگی‌هاست برای رفع این معضل می‌توان به برنامه‌ریزی منطقه‌ای روی آورد و این مهم را به استانها تفویض نمود تا با توجه به امکانات و بافت فرهنگی و اجتماعی خود برنامه‌ریزی نمایند.

(ج) تابوی قالب و محتوا

بهره‌گیری از قالب مثنوی و مثنوی غزل به عنوان سنت لایتجاری در کنگره‌های شعر دفاع مقدس مبدل شده است. تکرار چنین شعرهای بلند و زمان‌بری که غالباً با زبان و زاویه دید یکسانی سروده می‌شوند، علاوه بر یکنواخت کردن فضای جلسه سبب می‌شوند تا برنامه‌ها بر اساس جدول زمان‌بندی اجرا نشوند.

محتوای اکثر شعرهای دفاع مقدس به نوعی نوستالوژی مفرط متمایل شده‌اند. هر چند که چنین رویکردی برآیند ساختارهای اجتماعی و دوران گذار است اما آه کشیدنیهای متوالی و حسرت‌های متمادی ممکن است که شعر دفاع مقدس را به کرانه‌های یأس نزدیک سازند.

حسرت روزهای رفته حس مقدسی است اما غفلت از ایثارگریها، رشادتها و حماسه‌سازیه‌ها و فداکاریها شعر دفاع مقدس را به واگوبه‌های یأس‌آلود مبدل خواهند ساخت.

سنخه‌های مختلف آسیب

الف) مناسک پرستی: اصطلاح مناسک پرستی برگرفته از تئوری آسیب‌شناسانه رابرت مرتون است. به اعتقاد وی «فرد در نتیجه اجتماعی شدن (جامعه‌پذیری) هدفهای مهم فرهنگی و نیز راههای دستیابی به این هدفها را که از نظر فرهنگی مورد قبول باشند فرا می‌گیرد. هر گاه راههای مقبول دستیابی به این هدفها برای فرد فراهم نباشد و او ناچار شود راههای دیگری را در پیش گیرد ممکن است رفتاری از فرد سرزند که به انحراف اجتماعی منجر گردد. مرتون چهار نوع رفتار انحرافی را که ممکن است در این فرایند پدید آید به شرح زیر بر می‌شمارد: (ستوده، ۱۳۷۶، ص ۱۲۸)

۱. نوآوری (بدعت‌گزار) innovation

۲. مراسم‌گرایی (ماسک‌پرستی) Ritualism

۳. کناره‌گیری (انزواطلبی) Retreatism

۴. طغیان و سرکشی (شورش) Rebellion

به نظر مرتون انحراف و آسیب اجتماعی حاصل گسست بین اهدافی

است که جامعه همواره بر آنها تأکید می‌کند و وسایلی است که فرد برای رسیدن به آن اهداف استفاده می‌نماید. مثلاً سنخ نوآور هنگامی رخ می‌دهد که افراد مترصد رسیدن به هدفهای مشروع باشند ولی راههای استفاده مؤثر از وسایل پذیرفته شده برایشان مسدود باشد (ستوده، ۱۳۷۶، ص ۱۲۸) لذا آنان به خلق راههای خود ساخته خواهند پرداخت مثلاً نمره گرفتن برای یک دانشجو در امتحان هدف است اما شخص ممکن است برای رسیدن به این هدف به دلیل سختگیری بیش از حد اساتید از تقلب استفاده کند.

مراسم‌گرا کسی است که هدفها و مقررات سازمانی را به عنوان هدفها و مقررات خودش می‌پذیرد و تابعیت بی‌چون و چرا با سازمان از مشخصات اوست. مراسم‌گرا محکم به وسیله می‌چسبد و وسیله‌ای را که در اختیار دارد کورکورانه به جای هدف می‌نشانند و تصور می‌کند که مردم و مراجعان برای مقررات خلق شده‌اند و نه مقررات برای مردم مثال: در بخش اورژانس بیمارستان اگر پرستاری به جای پذیرش فوری بیمار ساعتها به تشریفات پذیرش و پرونده‌سازی و پر کردن فرمهای معمولی زمان را تلف کند یک فرد مراسم‌گراست. (ستوده، ۱۳۷۶، ص ۱۲۹)

در حیطه ادب و هنر مراسم‌گرا یا مناسک‌پرست به کسانی اطلاق می‌شود که به جای پرداختن به هدف که همانا اعتلای شخصیت هنری است به ظاهر و آرایش ظاهری خود می‌پردازند و سعی دارند وسیله را جایگزین هدف نمایند. شاعرانی با موی سر و صورت بسیار بلند و پریشان، با لباسهای عجیب و غریب و ژستهای منحصر به فرد از این قبیل‌اند. اعتیاد به سیگار خصوصاً در بین شاعران جوان از نامناسب‌ترین جلوه‌های مناسک‌پرستی است. تعدادی از شاعران سیگاری با دود سیگار خود در محیطهای سرپسته نظیر اتوبوس به حریم شخصی دیگران نیز تعدی می‌کنند.

برخی از شاعران مناسک‌پرست، نسخه بدل شاعران صاحب‌نامی گشته‌اند که شعرخوانی و ژستهای آنان از مقبولیت عمومی برخوردار بود. این نسخه بدل سعی دارند تمامی حرکات و سکنات خویش را - حتی شیوه‌های نفس‌گیری را - مطابق حالات آن شاعران صاحب‌نام که اکنون در بین ما نیستند، تنظیم نمایند.

و شادروان محمدرضا آقاسی یکی از این شاعران صاحب‌نام است. خطری که در این میان وجود دارد، آن است که اگر این نسخه‌های بدل به مرجع رفتاری شاعران جوان مبدل شوند قافله‌سالار خیل عظیمی از شاعران نوجوان و جوان در بیراهه‌ها خواهند بود و آسیب نوآوری، بلایی است که گریبانشان را خواهد گرفت. زیرا آنان برای رسیدن به هدف به خلق وسیله خواهند پرداخت و متأسفانه جامعه بسیاری از این وسایل را نه تنها تقبیح نکرده، بلکه به تمجید و ستایش آنها نیز پرداخته است.

(ب) سطحی‌نگری و تقلیل‌گرایی (Reductionalism)

هر پدیده اجتماعی دارای ابعاد و سطوح مختلفی است نظیر سطح مرفولوژی، فیزیولوژی، رفتارهای گروهی و جمعی (جریانها و هیجانات اجتماعی). نام این سطوح در ارتباط متقابل با یکدیگر قرار دارند، لذا برای تحلیل هر پدیده ضروری است که به تمام این اجزاء توجه شود. «چه بسیار هیجانهای اجتماعی که مبدل به جریانهای اجتماعی شده و پس از استقرار و توسعه به درون فیزیولوژی اجتماعی منتقل شده‌اند و از این طریق اثر خود را متدرجاً به جنبه‌های مادی جامعه یعنی مرفولوژی اجتماعی هم



منتقل کرده‌اند. (محسنی، ۱۳۷۴، ص ۱۷)

غافل شدن از ابعاد مختلف یک پدیده و توجه صرف به یک بُعد آن و عوامل مربوط به آن را به عنوان علت العلل تام عوامل دانستن آسیب بزرگی است که محقق را به دام تقلیل‌گرایی و سطحی‌نگری خواهد کشاند به منظور مهار نمودن چنین آسیبی جرج ریتزر مدلی تحت عنوان فرائوتئوری (متاتئوری) ارائه داده است. بر اساس این مدل در بررسی پدیده‌ها باید به دو پیوستار عمده توجه نمود. در دو سوی پیوستار اول هر پدیده در دو سطح خرد (micro) و کلان (macro) و در دو سوی پیوستار دوم در دو سطح عینی (Objective) و ذهنی (Subjective) مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. توجه صرف به هر کدام از عناصر پیوستار که سبب غافل شدن از بررسی سایر عناصر گردد، سبب ایجاد انحراف در تحلیل خواهد گشت. ژرژ گورویچ از چنین انحرافی تحت عنوان «اشکال کاذب» یاد می‌کند.

اکثر تحلیل‌گران شعر دفاع مقدس که در جلسات نقد و بررسی به بیان دیدگاه‌های خویش می‌پردازند دچار چنین «اشکال کاذبی» می‌گردند. آنان شعر دفاع مقدس را یا در سطح خرد مورد ارزیابی قرار می‌دهند یا در سطح کلان گاه تنها به شاعر و دنیای درونی او توجه نموده و از ساختارهای اجتماعی غافل می‌مانند و زمانی تنها به جبر ساختاری می‌پردازند. گاهی به جریان‌شناسی شعر دفاع مقدس مشغول می‌شوند بی‌آنکه به عناصر درونی این جریان التفاتی نشان دهند و زمانی شعرها را به صورت منفرد می‌نگرند بی‌آنکه کلیت آثار را به عنوان یک پدیده ارزیابی نمایند. تقلیل شعر به قالب یا محتوا، لفظ یا معنی و غفلت از رابطه تعاملی عناصر پدید آورنده شعر جلوه‌های دیگری از سطحی‌نگری.

جلسات نقد و بررسی شعر دفاع مقدس غالباً با یک سؤال آغاز می‌گردند. می‌دانیم که در عرصه پژوهش سؤال باید برخاسته از مسائل و نیازهای مورد نظر باشد در درون سؤال باید ابهامی باشد که تحلیل‌گران را به رفع آن فرا خواند. پرسیدن بدیهیات در قالب سؤال نوعی توهین به مخاطب تلقی می‌گردد و به قول شاعر: چو دانی و پرسى سؤالت خطاست. گاه سؤال برآیند مطالعات اکتشافی است. طراحی صحیح سؤال سبب می‌شود تا تحلیل‌گران مسیر پاسخ را به درستی طی کنند.

سؤالاتی که در جلسات نقد و بررسی شعر دفاع مقدس مطرح می‌شوند گاه خلق الساعه‌اند بی‌اینکه قبلاً گروهی درباره آنها اندیشیده یا اینکه برآیند ضرورتها باشند و جالب این است که گاه ساعتها وقت صاحب‌نظران صرف پاسخگویی به سؤالی می‌شود که جز بدیهیات است. پیشنهاد می‌گردد گروهی از صاحب‌نظران و پژوهشگران به تدوین سؤالاتی اساسی و بنیادین پرداخته و آنها را در اختیار مجریان برنامه قرار دهند.

(ج) تفکر ثابت و قالبی (جزم‌اندیشی)

مهم‌ترین متغیر تابع (متغیر وابسته) سطحی‌نگری و تقلیل‌گرایی، جزم‌اندیشی است. جزم‌اندیشی حالتی است که فرد بر اساس تفکرات خویش را عیار سنجش تمامی پدیده‌ها قرار می‌دهد. به عبارتی دیگر تمامی پدیده‌ها را بر اساس چارچوبی که خود ساخته است، می‌سنجد. چارچوبی که کرانه‌های آن برآیند تجربه‌های شخصی و تعمیم نیافته فرد است. چنین چارچوبهایی از یک سو زمینه‌های اختلاف نظر را شدت بخشیده و از سوی دیگر منجر به عدم پذیرش بسیاری از نظرات گردد و اگر این آسیب به حیطة دادرسی آثار کشیده شود، به حذف بسیاری از

آثار خواهد انجامید.

د) تاریک بودن فضای مفهومی و نامناسب گشتن تعاملات میان ذهنی مولوی در حکایت فیلمی که در اتاق تاریک قرار داده بودند، به روشنی پدیده تاریک بودن فضای مفهومی و برداشتهای مختلف غیرواقعی را بیان کرده است. با روشن شدن شمعها تمامی اختلاف نظر افراد از بین رفت و همه آنان بر فیل بودن موجودی که در اتاق تاریک بود گواهی دادند حال آنکه پیش‌تر از این، فیل را ناودان، ستون، تخت یا بادبزنی می‌پنداشتند.

در عرصه پژوهش و تحلیل چنانچه متغیرها و مفاهیم تعریف عملیاتی نگردند هر کسی از ظن خود یار آن مفهوم خواهد گشت و بر اساس تعبیر شخصی خود به بررسی پدیده مورد نظر خواهد پرداخت.

عدم ارائه تعریف دقیق از شعر دفاع مقدس و عناصر سازنده آن باعث شده تا هر فرد صاحب‌نظری بر اساس تعریف شخصی خود وارد میدان بحث و تبادل نظر گردد و پیامد چنین وضعیتی جز به اختلاف نظرهای سازش‌ناپذیر نخواهد انجامید.

ه) توهیم تئوری پردازى

در گستره علم و مفهوم‌سازیهای آن، مفاهیمی نظیر آگزوم، تورم، پیش فرض، فرضیه، گفتار قانون علمی و تئوری (نظریه) وجود دارند که هر کدام از آنها دارای تعریف عملیاتی خاص خود است. تعریفی جامع و مانع که مفهوم مورد نظر را از امتزاج با مفاهیم دیگر بازمی‌دارد.

نظریه (تئوری) مجموعه‌ای از گفتارهای علمی و اثبات شده‌ای است که میزان صحت آن در شرایط مختلف زمانی و مکانی سنجیده شده و از ضریب تعمیم بالایی برخوردار است. به بیان دیگر «تئوری مجموعه‌ای از گفتارهایی است که بر مبنای قواعد منطقی با یکدیگر در ارتباط و مبین بخشی از واقعیت هستند.» (رفعی‌پور، ۱۳۸۱، ص ۹۵)

آنچه در علوم تجربی از آن تحت عنوان قانون علمی یاد می‌شود در علوم انسانی تحت عنوان تئوری (نظریه) مطرح می‌گردد. نظریه برآیند پژوهشهای مختلف و بنیادین است. پژوهشهایی که هدف آنها گسترش قلمرو دانش و معرفت است. پژوهشهایی که مستلزم تلاش فراوان پژوهشگران در سالهای متمادی زندگی است. قوام یک نظریه تا زمانی است که خلاف آن ثابت نشده باشد به قول پوپر: تا زمانی می‌توانیم بگوییم «همه قوها سپیدند» که یک قوی سیاه پیدا نشود.

در تئوری واقعیتها از راه قیاسی تبیین می‌گردند و مهم‌ترین مشکل استدلال قیاسی اثبات قضیه اول آن است (موجبه کلی) مثلاً هنگامی که می‌گوییم: همه پرندگان خونگرم‌اند، کبوتر پرند است پس کبوتر خونگرم است. اثبات خونگرم بودن همه پرندگان کاری است بس دشوار.

در جلسات نقد و بررسی شعر دفاع مقدس یا در جراید کثیر الانتشار افرادی یافت می‌شوند که پیش‌فرضهای خود را در قالب نظریه ارائه می‌نمایند یا اینکه به صدور حکمی اثبات نشده می‌پردازند. مثلاً عزیزی در یکی از این جلسات اظهار نمود فلان ویژگی شعری که مختص شعر دفاع مقدس است در هیچ برهه از تاریخ ادبیات ایران اتفاق نیفتاده است. صدور چنین حکمی مستلزم آن است که فرد تمام تاریخ ادبیات یا قسمت عمده‌ای از آن را مطالعه کرده باشد، در حالی که سطح علمی فرد خلاف این امر ثابت می‌کند.

منطق تئوری قاعده «اگر» و «پس» است مثلاً اگر فلان عامل حادث



منابع

۱. بیرو، آن، فرهنگ علوم اجتماعی، (ترجمه: باقر ساروخانی) تهران: کیهان، ۱۳۶۷.
۲. حسینی، حسن. گزیده شعر دفاع مقدس. تهران: سوره مهر، ۱۳۸۱.
۳. رفیع پور، فرامرز. کند و کاوها و پنداشته‌ها. تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۱.
۴. روزه، گی. تغییرات اجتماعی. (ترجمه: محسن ثلاثی) تهران: نی، ۱۳۶۶.
۵. ستوده هدایت‌الله. آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: آوای نور، ۱۳۷۶.
۶. کوئن، بروس. درآمدی به جامعه‌شناسی. (ترجمه: محسن ثلاثی) تهران: فرهنگ معاصر.
۷. محسنی، منوچهر. جامعه‌شناسی عمومی. تهران: طهوری، ۱۳۷۴.

در حاشیه چهاردهمین کنگره سراسری شعر دفاع مقدس - قصر شیرین

۱. تعدادی از شاعران مدعو طبق روال مألوف تنها در مراسم افتتاحیه در شهر کرمانشاه حضور داشتند و عطای قصر شیرین را به لقایش بخشیدند.
۲. در حالی که حدود بیست نفر از شاعران جوان در نوبت قرائت شعر قرار داشتند، فرصت شعرخوانی آنان به سخنرانی یکی از مسئولان اجرایی کرمانشاه اختصاص یافت. سخنرانی ایشان حسن الختام کنگره بود.
۳. نبود میز مستقل جهت استقرار مجری برنامه سبب شد تا مجریان ریاضتهای فراوانی را متحمل شوند.
۴. خراب شدن سیستم صوتی در مراسم افتتاحیه حدیث مکرری است که باز تکرار شد.
۵. عکاس کنگره از لحظه آغاز تا انجام به فواصل کوتاه مشغول تصویربرداری بود نمی‌دانم از این همه عکس چگونه نگهداری خواهند کرد.
۶. تجلیل هم‌زمان از سه شاعر بزرگوار سبب شد تا شأن هیچ کدام از آنان، آنچنان که بایسته و شایسته است، رعایت نگردد.
۷. شاعران عرب مدعو واصله ناهمگونی بودند که نتوانستند با شاعران ایرانی تعامل برقرار کنند.
۸. طبق شنیده‌ها، داوران در ارزیابی آثار از معیار یکسانی استفاده نکرده بودند. یکی بر اساس معیار کیفی (خوب، متوسط، ضعیف) داوری کرده بود. دیگری بر اساس معیارهای کمی و عددپذیر و کسی دیگر بر اساس اظهار نظر کلی. چنین اختلاف معیاری سبب می‌شود که واریانس (پراکندگی) نظرات داوران افزایش یابد و این امر صحت علمی ارزیابیها را خدشه‌دار خواهد ساخت. به منظور ارزیابی دقیق آثار و ایجاد وحدت رویه پیشنهاد می‌گردد که فرمهای داوری شعرها تنوین و در اختیار داوران قرار داده شود.
۹. جلسه شعرخوانی شب چهارشنبه که شاعران به هوای آن گرد هم جمع شده بودند در یک اقدام غیرمترقبه به جلسه نقد و بررسی و مباحثه تبدیل شد و این امر باعث شد تا تعداد زیادی از شاعران جوان پس از لحظاتی جلسه را ترک کنند.
۱۰. در روز آخر صفوف نماز جماعت خالی بود.
۱۱. سنت بی‌محلی در جمع و عذرخواهی در خفا چونان همیشه به نحو احسن رعایت گشت. تعدادی از شاعران جوان به عنوان نفرات برگزیده انتخاب شدند و به آنان هدایایی تعلق گرفت اما مسئولان امر در خارج از محیط سالن به صورت انفرادی از شاعران توانمندی که نام آنان جزء برگزیدگان نبود، پوزش می‌طلبیدند و اظهار می‌کردند که قصد ما تشویق چند شاعر جوان بوده هر چند که می‌دانیم برگزیده شدن حق مسلم شماست. ان شاء الله در پس این اقدام قصد و غرضی نباشد.

شود، پس فلان نتیجه حاصل خواهد شد. بسامد چنین اگر و پسهایی در گفتار خیل عظیمی از صاحب‌نظران (یا کسانی که خود را صاحب‌نظر می‌پندارند) بسیار بالاست. برخی از این افراد بی‌آنکه از بار ارزشی مفاهیم اطلاعی داشته باشند، اقدام به صدور مانیفست یا پارادایم می‌نمایند. توهم تنوری پردازی این افراد با خصلت فضل‌فروشی آنان ترکیب یافته و به پدیده‌ای ناهمگون مبدل می‌گردد.

عبارت «به نظر من» در اظهار نظر افراد یاد شده به وفور یافت می‌شود. حال آنکه چنین «نظری»ی مبتنی بر یافته‌های پژوهشی نیست. سائقه‌ای است ذهنی که فی المجلس زابیده می‌شود.

و) جدل به جای مناظره

یکی دیگر از آسیبهای اظهار نظر افراد در خصوص شعر دفاع مقدس بهره‌گیری از قاعده جدل به جای مناظره است. در جدل، طرفین دعوی خود را حق پنداشته و اندیشه طرف مقابل خود را ناصواب می‌دانند. بر این اساس هر کدام از آنان سعی دارد تا نظر خود را به طرف مقابل تحمیل کند. حال آنکه روش مناظره ناظر بر بحث و تبادل نظر با پیش‌فرض صحت نظر طرف مقابل است. گستره پذیرش نظر طرف مقابل در مناظره از وسعت خاصی برخوردار است. جزم‌اندیشی، تقلیل‌گرایی، سطحی‌نگری و توهم تنوری پردازی از مهم‌ترین آسیبهای هستند که فرایند مناظره را در بررسی شعر دفاع مقدس به جدل مبدل می‌سازند.

ز) مدرک تحصیلی به جای فضیلت علمی

در جامعه گاه بین اهداف و وسایل جابه‌جایی موقعیت صورت می‌پذیرد. به عبارت دیگر به جای آنکه توان علمی افراد به آنان هویت بخشد مدارک تحصیلی به آنان تقدس می‌بخشند. البته چنین رویکردی برآیند ساختاری است که داشتن مدرک تحصیلی را به عنوان فضیلت ذاتی به حساب می‌آورد.

عنوان «دکتر» از جمله عناوینی است که گاه به صورت پیشوند جدایی‌ناپذیر اسامی افراد مبدل می‌گردد این عنوان مجوز محکمی است برای بیان هر اظهار نظر غیر علمی حال ممکن است این دکتر، دکتر دامت‌پزشک، پزشک عمومی، معادل دکتر، دانشجوی دکترای دانشگاههای غیر انتفاعی و دهها مورد مشابه باشد. عملکرد این افراد که به منطقی کاسب‌کارانه به مدرک تحصیلی می‌نگرند ستم بسیار بزرگی است به عنوان صاحب‌نظران تحصیلکرده‌ای که آبروی ادبیات معاصر ایران به حساب می‌آیند. شخصیت‌های گران‌سنگی نظیر دکتر قیصر امین‌پور که فارغ از دغدغه نام و نان جزء جدایی‌ناپذیر ادبیات معاصر ایران به حساب می‌آید. دکتر امین‌پور را همه با نام کوچکش می‌شناسند مردی که «ابتدای نام او انتهای عشق است.»

عناوین دانشگاهی گاه به افرادی که ظرفیت وجودی آنان محدود است جسارت اظهار نظرهایی را می‌دهند که ناصواب‌اند جامعه نیز نقد نظر این‌گونه از افراد را ناصواب می‌پندارد.

اگر صد نکته گوید مرد درویش

رفیقانش یکی از صد ندانند

و اگر یک بذله گوید پادشاهی

از اقلیمی به اقلیمی رسانند

(سعدی)

